

## ویژگی های منبع لغوی در فهم معارف قرآن و حدیث

محمدحسن ربانی<sup>۱</sup>

تدوین: محمدجواد حسنی<sup>۲</sup>

### چکیده

از جمله ارکان مهم در فهم مراد قرآن و حدیث، بهره گیری از منابع لغوی عرب است. با توجه به ویژگی های متون مقدس اسلامی ضروری است منابع لغوی که در این عرصه مورد استفاده قرار می گیرند، دارای دو ویژگی نزدیکی به زمان وحی و صدور حدیث و همچنین استناد به سماع از عرب باشد. در این نوشتار به تبیین این دو ویژگی پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: شعر جاهلی، کتاب لغت، فقه الحدیث.

با توجه به ویژگی نخست، نمی توان برای تفسیر قرآن و فهم مراد واقعی معصوم در روایات به امثال کتاب المنجد مراجعه کرد؛ چراکه نویسنده آن، یک مسیحی بیگانه از قرآن و سخن معصومان علیهم السلام بوده و کتاب را بر اساس لغات خیابانی امروزی نوشته است. نویسنده این کتاب حتی به عنوان یک متن عربی نیز به قرآن و حدیث توجه نداشته است. دلیل توجه عالمان به کتاب العین فراهیدی نیز به سبب

۱. پژوهشگر، نویسنده و استاد حوزه علمیه مشهد.

۲. پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه (m.javadhasani@yahoo.com).

نزدیکی به عصر وحی و عصر امامان علیهم‌السلام است؛ بنابراین، هرچه زمان تدوین کتاب لغت به عصر وحی نزدیک تر باشد، اعتبار بیشتری دارد.

گاهی لغت بر اثر مرور زمان، معنای خود را از دست می دهد؛ مانند واژه «شوخ» که در لغت فارسی قدیم، به معنای «چرک» است. در کتاب های ادبی فارسی چنین می خوانیم: «همچون کیسه کش حمام نباش که شوخ مردم را به آنان بنمایانی». بر این اساس، شوخ به معنای چرک پشت بوده که دلاک ها در حمام اصرار داشتند آن را جلوی پاهای فرد بریزند که انعام بیشتری بگیرند. روشن است که امروزه شوخ به این معنا به کار نمی رود

در فقه نیز این تغییر معنا وجود دارد؛ مانند واژه «حیله» که از ماده «حال، یحیل؛ حاول، یحاول» و در اصل لغت به معنای «چاره جویی»، به معنای کسی است که درباره کاری فکر می کند و راه برون رفت می گشاید. عرب زبانان درباره کسی که در کارش چاره جویی می کند، عبارت «حاول فی امره» را به کار می برند. از این رو اباعبدالله علیه‌السلام کنار پیکر حضرت عباس علیه‌السلام فرمود: «الآن انک سر ظهري و قلت حیلتی»؛<sup>۱</sup> یعنی بر اثر فشار روحی، چاره جویی من از دست رفته و نمی توانم برای کار خویش، برون رفتی تصور کنم. با این حال، امروزه حیله به معنای خُدعه، حُقه، کَلک و نیرنگ است و این واژه، معنای مثبت خود را از دست داده است. نخستین کسی که در موضوع «حیل ربا» مطلب نوشت، مرحوم شیخ طوسی بود. وی در کتاب مبسوط، مطلبی با عنوان «فصل فی باب الحیل»<sup>۲</sup> را آورده و اصلاً در ذهن شیخ، معنای نیرنگ وجود نداشته که بخواهد کلاه شرعی به مردم بیاموزد. در واقع می خواهد به کسانی که حیل ربوی را قبول دارند، «گریز از قانون به قانون» را نشان دهد. امام خمینی رحمته‌الله این چاره

ها را قبول ندارد؛ از این رو در تحریر الوسيله می نویسد:

ثم انى جدّدت النظر فى المسألة فوجدت أن التخلص من الربا غير جائز بوجه من الوجوه.<sup>۱</sup>

مقصود از حیل الربویّه، یعنی چاره جویی ها؛ اما در عصر حاضر وقتی حیل به کار می رود، مکر روباه و استعمار پیر انگلیس به ذهن می آید که معنای خدعه و نیرنگ را متبادر می سازد. با توجه به این که حیل معنای خود را از دست داده، باید به لغت های معاصر مثل المنجد تکیه کنیم که از زبان مردم کوچه و خیابان نوشته شده است.

همچنین ضروری است محتوای کتاب لغت بر اساس شنیدن از افراد عرب زبان باشد؛ چون لغت مانند بحث علت و معلول و فلسفه نیست که بتوان بر اساس قاعده و با صغرا و کبرا بحث کرد. هرچه لغت از استحسانات عقلی دور باشد، سالم تر است و هر مقدار استحسانات عقلی در منبع لغوی داخل شود، آن را از جایگاه اصلی خود دور کرده است. یکی از علت های شهرت «صحاح اللغه» در بین شیعه نیز همین دلیل است. جوهری (۳۹۳ق) کتاب لغت خود را بر اساس سماع از بادیه نشین ها نوشته است. وی از اعجوبه های روزگار به شمار می رود؛ با این که خودش از دیار ترک نشین بوده، اما به جمع آوری لغت عرب پرداخته و عمر خود را میان عرب بادیه نشین گذرانده است. روش خلیل بن احمد فراهیدی نیز به این صورت بوده که با قلم و دوات به بادیه می رفت، لغت عرب را از بادیه نشینان جمع آوری می کرد و برای تدوین و دسته بندی به مدینه بازمی گشت که در نهایت، کتاب العین شکل گرفت و تکمیل شد. در کتاب العین و صحاح اللغه هیچ استدلالی وجود ندارد و برای ارائه معنایی از یک لغت دلیل آورده نشده است؛ چون تنها آن چه شنیده اند را ضبط کرده اند.

در فضای عقل‌گرایی بغداد و کوفه قیاس و استحسان و علت‌تراشی وارد ادبیات عرب همچون لغت و نحو شد؛ از این رو نحو کوفه و بغداد، نحو قیاس و استحسان است، اما نحو مدرسه بصره \_ که سردمدار آن ابو‌الاسود دوئلی، فرزندش و شاگرد او احمد بن خلیل بودند \_ بر اساس سماع باقی ماند. ویژگی سماعی بودن لغت به این معناست که لغوی، کلمات را از محاورات مردم عرب قدیم شنیده و ضبط کرده باشد. به همین دلیل، شعر عرب از مصادر لغت عربی و از جمله پایه‌های مهم تفسیر و شرح آیات و روایات است. شعار عبدالله بن عباس و برخی صحابه «علیکم بديوان العرب» بوده است.<sup>۱</sup> البته همه اشعار عرب حجت نیست و تنها بخشی که با دوره وحی و صدور حدیث هم‌عصر است حجیت دارد. منظور از شعر عرب، شعر شاعران متقدم است؛ از این رو شاعران به چهار دسته تقسیم شده‌اند:

\_ شعرای جاهلیون: قطعاً شعر شاعران جاهلی حجت است.

\_ شعرای مخضرمون: یعنی کسانی که زمان جاهلیت و زمان صدر اسلام را درک کرده‌اند و شعر آن‌ها نیز حجت است.

\_ شعرای محدثون: یعنی کسانی که پس از دوره رسول خدا ﷺ و صحابه آمده‌اند؛ مانند جریر، فرزندق و اخطل که درباره حجیت شعر آن‌ها بحث است.

\_ شعرای مولدون: منظور از این گروه، افرادی مانند کمیت بن زید اسدی، دعبل خزاعی (صاحب

قصیده معروف در مدح حضرت رضا علیه السلام) و شاعران پس از آن‌ها مانند سید مرتضی و سید رضی

است که شعر آنان حتماً حجت نیست.<sup>۲</sup>

۱. نک: شرح مقدمه التفسیر لابن تیمیه، ج ۱۲، ص ۸.

۲. نک: موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ص ۱۰۰۱.

به هر حال، حجت شعر عرب به دلیل استناد به سماع و دوری از استحسانات عقلی و همچنین هم عصر بودن با زمان وحی و دوره معصوم است. در واقع لغت باید بر اساس سماع باشد. کسانی که دوره های بعد آمده اند یا لغت شناسان عصر حاضر، باید ناقل باشند نه مجتهد. البته در واکاری لغت می توان اجتهاد کرد، اما در بازسازی لغت اجتهاد وجود ندارد و نمی توان از نزد خود معنایی ساخت؛ از این رو لغوی ها، روش احمد بن فارس قزوینی در کتاب مقایس اللغه و اتباع او همچون زمخشری را نمی پسندند.

### نتیجه گیری

منابع لغتی که در فهم معانی و مفاهیم کتاب و سنت مورد استفاده قرار می گیرند باید با دوره نزول و صدور قرآن و روایت معاصر بوده و مبتنی بر سماع از عرب آن دوره باشند. ضرورت این دو ویژگی به این دلیل است که حکیم و معصوم با لحاظ شرایط و زبان مخاطب عرب سخن گفته اند و برای فهم دقیق مراد، نیازمند شناخت لغت عرب همان دوره است.

### منابع

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۲. تحریر الوسيله، سید روح الله موسوی خمینی، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، اول، بی تا.
۳. شرح مقدمة التفسیر لابن تیمیة، شارح: صالح بن عبد العزیز بن محمد بن ابراهیم آل الشیخ، بی جا، بی نا، بی تا.
۴. المبسوط فی فقه المامیة، محمد بن حسن طوسی، تهران، المكتبة المرتضویة لآحیاء الآثار الجعفریة، سوم، ۱۳۸۷ق.

۵. موسوعه كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، محمد علي بن علي تهانوي، تحقيق: علي فرید

دحروج، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.

